

نگاهی اجمالی به:

توانمندیها و نقش خطیر جهاد سازندگی در تأمین اهداف شیلات

محمد حسین عمادی

چندی پیش از طریق رسانه‌ها مطلع شدیم که شرکت سهامی شیلات کشور با نظر خواهی رؤسای سه قوه و موافقت حضرت امام از وزارت کشاورزی منتزع گردیده و به جهاد سازندگی پیوست. از آنجا که پرداختن به این موضوع از ابعاد مختلف می‌تواند تأملی بر تحولات سازمانی و اداری کشور بوده و ضمناً تحلیلی بر روند آتی شیلات در کشور باشد، لذا تصمیم گرفتیم در اینمورد نکاتی را خاطر نشان سازیم، شاید که از اینطریق فتح‌بابی برای طرح مسئله مذکور شود.

تاکنون گزارشات و مقالات متعددی در باب مسئله شیلات در رسانه‌های گروهی طرح و درج شده است، که عمده آنها مسائل مشترکی را بیان داشته‌اند. از آنجا که این مسائل در عین تکرار از اهمیت خاصی برخوردار بوده و بنیان این مقاله بر آن استوار است، این نکات مشترک را که اصل پذیرفته‌ای هستند، بطور خلاصه در زیر بیان می‌کنیم:

۱- کشور ما از ذخائر غنی آبزیان برخوردار است، معهذاً مقدار صید بسیار ناچیز است، بطوریکه کمیته سازمان خواربار جهانی در سال ۶۰ ذخیره قابل بهره‌برداری در خلیج فارس را ۲۰۰ الی ۳۶۰ هزار تن و ذخائر قابل بهره‌برداری دریای عمان را بین ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار تن برآورد نموده است، لذا بهره‌برداری سالیانه ۴۰۰ هزار تن ماهی ماکول بسیار امکان پذیر بنظر میرسد، در صورتیکه مجموع صید ماهی از دریای شمال و جنوب بین ۱۰ تا ۲۰ درصد توان بالقوه کشور در برداشت از منابع جنوب می‌باشد.

۲- میزان مصرف سرانه ماهی در کشورمان از کشورهای آمریکای لاتین و حتی کشورهای آفریقائی نیز کمتر بوده و سهم پروتئین ماهی از کل پروتئین حیوانی کمتر از ۳/۵ درصد است، در صورتیکه متوسط جهانی آن حدود ۲۰ درصد می‌باشد. نیاز به این منبع پروتئینی در داخل کشور زمانی از اهمیت حیاتی برخوردار میشود که از طرفی روز بروز بعلت تخریب تصاعدی مراتع و محدودیتهای ورود خوراک طیور، مصرف سرانه پروتئین

● میزان مصرف سرانه ماهی در کشورمان از کشورهای آمریکای لاتین و حتی کشورهای آفریقائی نیز کمتر بوده و سهم پروتئین ماهی از کل پروتئین حیوانی کمتر از ۳/۵ درصد است، حال آنکه متوسط جهانی آن ۲۰ درصد می‌باشد.

حیوانی رو به کاهش می‌گذارد و بازار مصرف را برای مصرف ماهی مهیا و مناسب‌تر می‌سازد، و از طرف دیگر بهره‌برداری هرچه بیشتر از این منبع طبیعی کمترین وابستگی را برای اقتصاد ملی خواهد داشت. ۳- روند حرکت شیلات تا قبل از پیروزی انقلاب به نحوی بوده که ما را با واقعیهایی فوق‌الذکر (سهم ناچیز ماهی در مصرف سرانه پروتئین) روبرو ساخته است و حرکتیهای انجام شده پس از انقلاب نیز با

آنکه توجه به شیلات را کراراً مورد تأکید قرار داده، نتوانسته است به اهداف مورد نظر نائل آید چنانکه با برآورد افزایش صیدی که توسط سازمان شیلات در سال ۱۳۶۰ انجام گرفته است میبایست در سال گذشته (۱۳۶۵) جمع صید به مرز ۲۳۰ هزار تن برسد، در صورتیکه این میزان در سال گذشته حتی به ۱/۴ مقدار پیش‌بینی شده نیز نرسیده است.

سه اصلی که در بالا به آن اشاره شد، در واقع بازگو کننده این واقعیت است که از منبع سرشار شیلات در جهت تأمین مایحتاج غذایی مردم کشورمان تاکنون استفاده مناسب و بجا نشده است، و حتی حرکت‌های بعد از انقلاب نیز به هیچ‌وجه مناسب و تأمین کننده نیاز داخلی نبوده است، گرچه نتوانسته است از طریق صدور میگو و خاویار میزان قابل توجهی ارز خارجی جذب کند.

همانطور که در مقدمه نیز اشاره شد، هدف این مقاله پرداختن به سه نکته فوق و تشریح عمق فاجعه نیست، بلکه بررسی این نکته است که آیا جهاد سازندگی با توانمندیهای فعلی‌اش توانا به حل معضلات فوق‌الذکر در راستای مورد نظر (افزایش بهره‌برداری از منابع شیلات) می‌باشد یا خیر. برای این بررسی و پاسخ منطقی به سؤال مطرح‌شده میبایست دو مسئله را تفحص نمود:

۱- نیازمندیهای صید و صیادی در کشور در جهت افزایش استحصال از منابع موجود، ۲- توانمندیهای جهاد سازندگی در این زمینه و در پایان نیز به تطبیق این دو محور خواهیم پرداخت.

۱- نیازمندیهای صید و صیادی در کشور جهت افزایش استحصال از منابع موجود:

بطور کلی شیوه و یا نظام بهره‌برداری صید را میتوانیم بدو دسته عمده تقسیم کنیم: الف- صید صنعتی با تکیه هر چه بیشتر بر تکنولوژی پیشرفته در زمینه استفاده از شناورهای مدرن و شیوه‌ها و فنون جدید صید با استفاده از تکنولوژی مدرن و فعلاً وارداتی. صید سنتی که توسط صیادان حرفه‌ای در نوار شمالی خلیج فارس و دریای عمان و در نوار جنوبی دریای خزر که اینها با ابزار و فنون سنتی به امر صید اشتغال دارند. این نظام بهره‌برداری



● ایندو نظام بهره‌برداری- صید سنتی و صنعتی- علیرغم انبوه‌طلبی هر نظام صنعتی و کارآئی محدود نظام سنتی، میتوانند با هماهنگی‌های لازم، همچون دو بال در حرکت جهت نیل به استقلال بکار گرفته شوند.

آن(صید سنتی) مسئله اقتصادی کشور را از گذر تجدید حیات محرومان و زحمت‌کشان جامعه حل خواهد نمود. و لازمه آن برخورد ظریف با پیچیدگیهای یک حیات انسانی- اجتماعی است، حتی اگر به دراز انجامد. اما صید صنعتی با فرمولهای خاص خود و طی یک برنامه‌ریزی و تجمع سرمایه، مدیریت و ابزار کار، قابل حل خواهد بود. و طبعاً لازمه موفقیت در این زمینه ورود تکنولوژی جدید و تخصص سرمایه بیشتر همراه با ارتقاء دانش فنی است.

با پذیرش این واقعیت که تکیه بر صید سنتی اصلی‌ترین و درعین حال حساس‌ترین شیوه

همانطور که گفته شد صید سنتی یک رسم زندگی است و بخش عظیمی از مردم محروم کشور ما را بعنوان اصلی‌ترین زمینه اشتغال به خود مشغول داشته است. غسفلت از آن، چشم‌پوشی از منابع عمومی و مهمتر از آن به فراموشی سپردن حیات اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی عده کثیری از مردم کشورمان است که تاکنون نیز به میزان وسیعی طعم تلخ محرومیت را چشیده‌اند. در واقع در صید سنتی قبل از آنکه با مسائل اقتصادی روبرو باشیم، با انبوهی از مسائل پیچیده انسانی روبرو خواهیم بود، که قصور از آن قصور از حیات پاره‌ای از بیکرملت محسوب میشود. و پرداختن به

ضمن آنکه هزاران سکنه کشور را در امر صیادی بعنوان اصلی‌ترین راه معاش بخود مشغول داشته است، قبل از آنکه یک شیوه معاش باشد، شیوه‌ای از زندگی با خصوصیات اجتماعی و فرهنگی مختص به خود است، با تمام ظرافتها و پیچیدگیهای یک رسم زندگی. ایندو نظام بهره‌برداری(صید سنتی و صنعتی) علیرغم «انبوه‌طلبی» هر نظام صنعتی و کارآئی محدود نظام سنتی، میتوانند با هماهنگی همچون دو بال در حرکت جهت نیل به استقلال بکار گرفته شوند. ولی ضرورتها و واقعیت‌هایی ما را وامی‌دارد که صید سنتی را بدلائل متعددی مقدم و اصل بر صید صنعتی بدانیم.

ارتقاء در میزان استحصال است، باید دید که این شیوه صید چه ضرورتها و ابزاری را می طلبد.

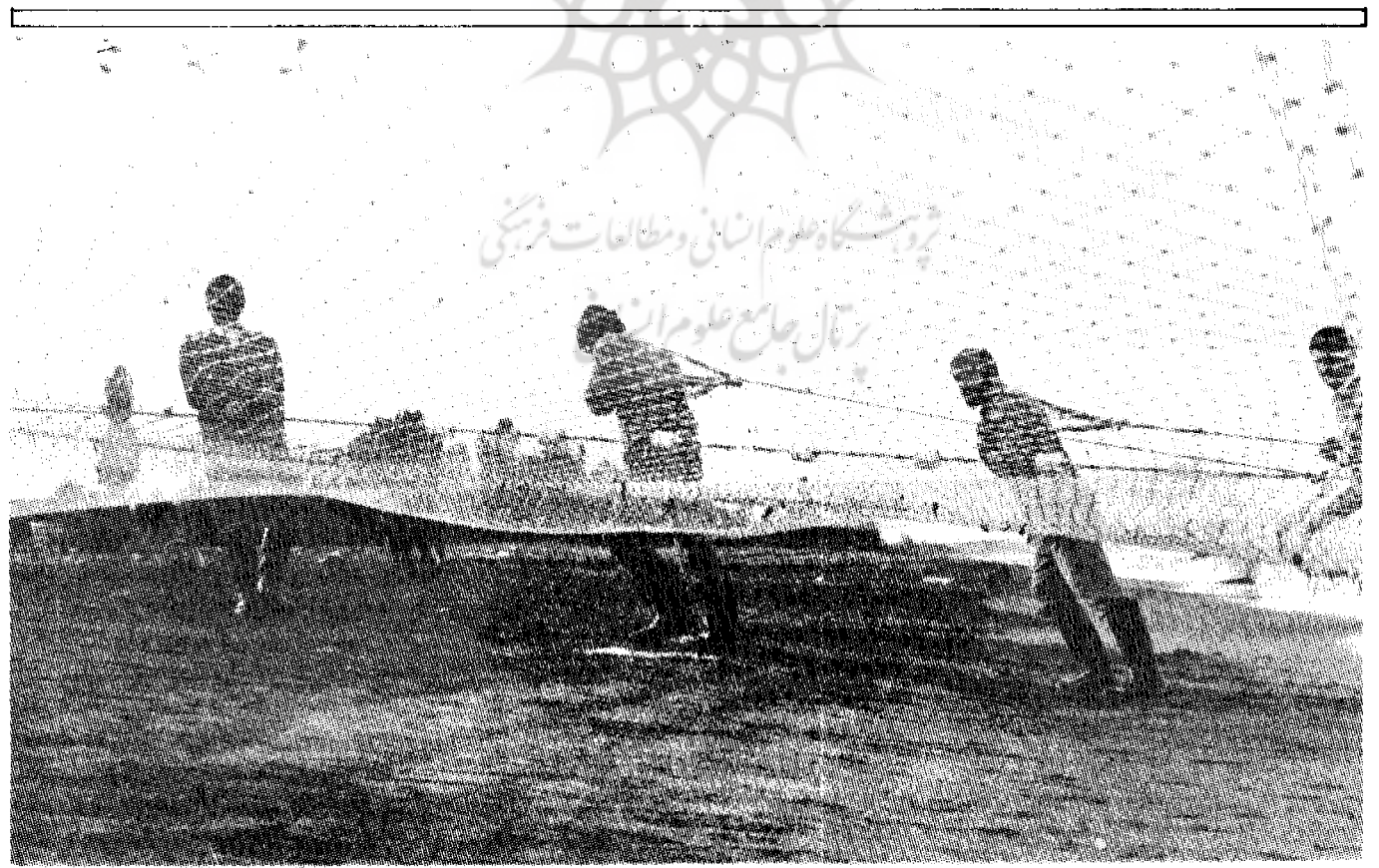
همانطور که قبلاً اشاره شد این شیوه صید یک راه و رسم زندگی است با تمام پیچیدگیهای خود و نه یک راه معیشت اقتصادی صرف، بنابراین باید با آن بعنوان یک نظام اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مواجه شویم و تمامی ابعاد آنرا در نظر بگیریم. در واقع نباید گفت افزایش کارآئی و بهره برداری صید سنتی را باید در قالب یک نظام جامع توسعه دید و نه یک محاسبه کور اقتصادی. برای درک عمیق تر این موضوع ضرورت های تحول و ارتقاء بهره برداری را جداگانه و از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار میدهم:

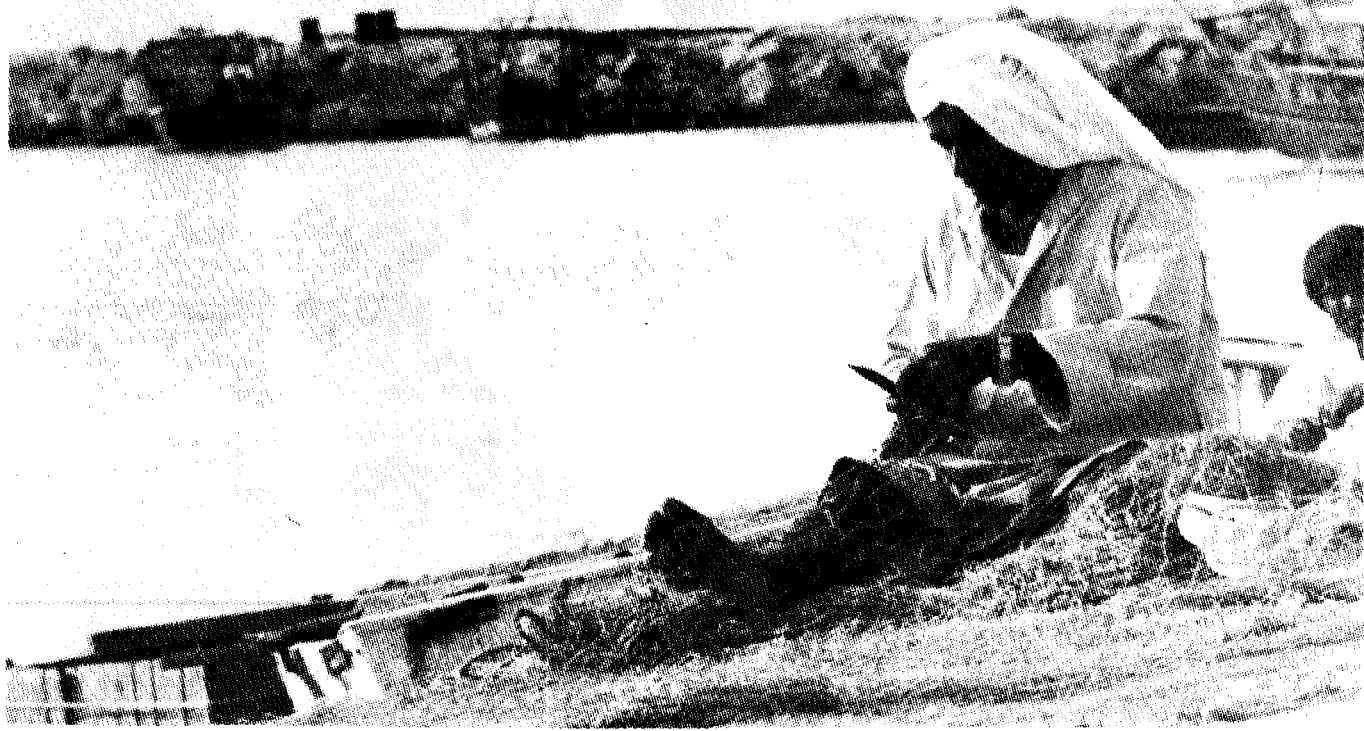
الف- از بعد اقتصادی: در صید سنتی با توجه به شیوه بهره برداری و طبیعت و سرشت کار، صیاد محتاج دو خدمت اساسی است: ۱- فراهم کردن تأسیسات بندری و بنادر صیادی و ابزار مناسب و کافی صید و ارتقاء متناسب سطح تکنولوژی صید که شامل احداث پناهگاههای صیادی و تأمین شناور و ملزومات آن، ابزار اصلی صید همچون تور و سوخت و... میباشد. ۲- بعثت محدودیت شدید انبارداری صید و فساد پذیری آن، صیاد محتاج یک شبکه فعال و سریع جهت جذب، جمع آوری و عمل آوری سریع صید در هر زمان میباشد.

همانطور که گفته شد به علت استهلاک زیاد ابزار صید و فساد پذیری محصول، نظام خدمت دهنده در هر دو مورد فوق مبیاست بسیار سریع و فعال عمل کند به نحویکه عملاً تأمین نهادهها و تثبیت قیمت محصولات صید سنتی شکل کاملاً تضمین و تثبیت شده باشد. و برای تأمین این سرعت و تحرک وجود یک شبکه راه ارتباطی و حمل و نقل قوی که در واقع از خدمات زیر ساختی و بنیادی بشمار می آید ضروری میباشد.

ب- بُعد اجتماعی: چنانکه قبلاً بیان شد صید سنتی یک شیوه زندگی بوده و برای بهره گیری از منبع صید یک نظام بهره برداری مربوط به خود دارد که در طول زمان بصورت یک سازمان اجتماعی در آمده است. این سازمان اجتماعی که ابعادش بنا به توان بالقوه و امکان بهره برداری (لنج، قایق، گالیک...) متفاوت است، عمدتاً ساخت معیشتی داشته و جهت ارتزاق دامنه محدودی از افراد جامعه پایهریزی شده است. اما با تغییرات عمده ای که در چند دهه اخیر در زمینه های مختلف اقتصادی و ارتباطات پیش آمده است، صید سنتی نیز همچون کشاورزی از قالب معیشتی خود خارج شده و تأمین بخشی از مایحتاج پروتئینی جامعه مرتبط با خود را برعهده گرفته و باصطلاح به شکل تجاری یا نیمه تجاری در آمده است. تجاری شدن صید سنتی از یک طرف آنرا با بازار تأمین ابزار

مرتبط می سازد و از طرف دیگر جهت بازار رسانی محصولاتش آنرا محتاج یک شبکه جمع آوری و توزیع نهادهها می سازد. و همین جاست که واسطه ها و دلالان همچون قارچهائی برپیکره نظام سنتی روئیده و شیرۀ حیات آنها را در جهت رشد خود به خدمت می گیرند. این زندگی انگلی به حدی است که یک دلال که فاصله لنج تا ساحل را طی می کند با سرمایه ای بسیار ناچیز سودی چندین برابر صاحب لنج را به جیب می زند. ادامه این روند هم حیات صیاد را به خطر می اندازد و هم صید را مورد تهدید قرار میدهد. لازمه پا نگرفتن شبکه قارچی شکل در شبکه توزیع و جمع آوری محصول، توسعه سازمان اجتماعی موجود میباشد، بنحوی که نظام بهره برداری در قالب تجاری بجز بهره برداری مستقیم از دریا، در امر توزیع ابزار صید و جمع آوری محصول نیز دخالت کند. توسعه سازمان اجتماعی موجود در گرو بسط و تعمیق تشکلهای اجتماعی صیادان است که بهترین نمود آن ایجاد تعاونیهای صیادی است. این تعاونیها که از گردهمائی صیادان یک منطقه ایجاد میشود برای تقویت صید سنتی یک ضرورت حیاتی است و همین تعاونیها در عین حفظ استقلال خویش می توانند مناسبترین حلقه تماس با شبکه دولتی که فراهم کننده مایحتاج اساسی و خریدار محصول اصلی آنهاست باشند و از آن مهمتر آنکه سود حاصل





ساحلی کشور بخصوص در جنوب کشور وتوان بالقوه جهاد درزمینه صنایع روستایی که میتواند درزمینه تأسیس کارگاههای عمل آوری وجذب ماهی مازاد درمناطق ساحلی بکار گرفته شود میتواند بازگوکننده وسعت عمل وزمینه فعالیت جهاد دراین زمینه باشد. وجود شبکه جهاد درمناطق روستائی کشور و سرشت نهادی بودن جهاد که او را از قواعد خشک و دست وپاگیر اداری تا کنون دور داشته است همراه بانبروهای بومی و فداکار میتواند دلیل دیگری براین مدعا باشد. ونهایتاً سابقه فعالیت جهاد سازندگی درزمینه امور فرهنگی درروستاها وفعالیت های اجتماعی اش، همچون تشکیل شورای اسلامی در بیش از ۳۰ هزارروستای کشور تجربه ای است گرانبها که میتواند همراه با سابقه درخشانی که از جهاد سازندگی در اذهان روستائیان ومحرومان کشورمان است، سرمایه ای برای تشکیل تعاونیهای واقعی وحمايت و هدایت مستمر آنها باشد. تحرک وتوانمندی جهاد در بدست گیری و اجرای طرحهای پیچیده وعظیم صنعتی همچون احداث سیلوهای چند صدهزارتنی با رعایت دقت و سرعت لازمه. دلیلی است دیگر براین مدعا که این نهاد انقلابی با بهره گیری از کلیه نیروها وتخصص ها میتواند درزمینه صید صنعتی وافزایش استحصال از طریق آن موفق باشد. از اینرو افق روشنی را برای جهاد سازندگی در بدست گیری این مسئولیت جدید وخطیرش پیش بینی کرده واز خداوند متعال موفقیتش راخواستاریم.

● در صید سنتی قبل از آنکه با مسائل اقتصادی روبرو باشیم با انبوهی از مسائل پیچیده انسانی روبرو خواهیم بود که غفلت از آن غفلت از حیات پارهای از پیکر ملت محسوب می شود.

● افزایش کار آئی وبهره برداری صید سنتی را باید در قالب یک نظام جامع توسعه دید ونه یک محاسبه کور اقتصادی.

وصیادی در کشور را در گرو تشکل صیادان در قالب تعاونیها می بینیم سازمان مربوطه میبایست ضمن اعتقاد قلبی به واگذاشتن کار مردم به دست مردم درایجاد، تقویت وهدایت تعاونیهای صیادی بیش از پیش کوشش نماید. طبعاً وجود یک پایگاه مردمی از سازمان مربوطه در اذهان عمومی صیادان جهت اقدام به این امر حساس و مردمی یک ضرورت حتمی بوده ولازمه شروع وادامه هر فعالیت اجتماعی است.

۲- توانمندیهای جهاد سازندگی درقبال مسئولیتهای فوق الذکر:

حال اگر قابلیتها وتوان جهاد سازندگی را درموارد فوق مورد نظر قرار دهیم، خواهیم دید که این نهاد از نظر امکانات واستعدادها توان بدست گیری واداره امور شرکت سهامی شیلات راخواهد داشت. فعالیت های جهاد در زمینه پناهگاههای صیادی، بنادر صیادی و ایجاد راههای روستائی در مناطق

از این فعالیت نیز در شبکه صحیح وعادلانه ای از توزیع فی مابین سهامداران و اعضاء تعاونی تقسیم شده وبه تقویت بنیه اقتصادی و توسعه متوازن اجتماعی منطقه منجر خواهد شد. تشکل وسازماندهی صیادان از این نقطه نظر که میتواند صیادان را در دفاع از حقوق مشترکشان درقبال خطرات حفظ کند نیز شایان توجه است.

نتیجه آنکه لازمه پرداختن به صید سنتی و قبول مسئولیت آن توسط هرسازمان ونهادی منجمله جهاد سازندگی آن است که: ۱- از نظر کار آئی تنوع و وسعت عمل داشته باشد به این معنا که قادر به عمل درحیطه عملیات زیربنائی همچون راهسازی، ساخست پناهگاههای صیادی، ایجاد کارگاههای تعمیر وساخت شناورهای دریائی، ایجاد سردخانهها، و بهبود وضع تکنولوژیک صید سنتی و آموزش صیادان باشد.

۲- توان خدمت رسانی وحل معضلات توزیع ادوات اصلی صید را داشته باشد، که لازمه آن وجود یک شبکه وسیع وپراکنده درنواحی صیادی است باپرسنلی فداکار وفعال.

۳- بعلت طبیعت و سرشت امر صیادی سازمان خدمت رسان میبایست از سرعت عمل وتحرک زیادی برخوردار باشد، تا بتواند در هرزمان ومکان درخدمت نیازهای فوری صیادان قرارگیرد، طبعاً این چنین سرعت عمل وتحرک رانمی توان در نظام اداری با حفظ قواعد کاغذ بازی سراغ گرفت.

۴- از آنجا که آینده تضمین شده صید